

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه قارعه

استاد ضرابی آذر ۱۳۹۹

جلسه دوم / ۹۹/۹/۲۹ شنبه

آیات شریفه: «الْقَارِعَةُ (۱) مَا الْقَارِعَةُ (۲) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳) - کوبنده
(۱) چیست کوبنده (۲) و تو چه دانی که کوبنده چیست (۳)»

عنوان: تطبیق اولین و آخرین آیه بر یکدیگر

محتوای « القارعة » بر « نار حامية » تطبیق می‌کند. و ماهیت القارعة را از ابعاد دیگری نشان می‌دهد. شگفت انگیز این است که « القارعه » مأموریت دارد وجود نحس هر باطلی را در هر زمینه‌ای و در هر شکلی بکوبد و از دامن هستی (که به سبب حکمت الهی چند روزی در دنیا جولان می‌دادند) بزدايد اما قابلیت‌های آن ابدًا محدود به آن چیزهایی که ما تصور می‌کنیم نیست.

خداوند ما را دعوت به تدبر در عمق و ژرفای « ما القارعة » می‌کند. و ضرورت توجه همه عالمیان را به نقش و حساسیت سرنوشت ساز آن گوشزد می‌کند. در توحید صدوق آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَعْظَمُ مَنْ أَنْ يُوصَفَ بِالْوَجْهِ وَلَكِنْ مَعْنَاهُ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا دِينَهُ - معنای آیه شریفه این است که هر چیزی هلاک است مگر دین خدا» (کتاب التوحید، شیخ صدوق، ص ۱۴۹)

گر گرفتار صفات بد شدی هم تو دوزخ هم عذاب سرمدی

عنوان : قابلیت‌ها و توانمندی‌های قارعه

براساس مبنایی که قبلاً درباره آن گفتگو شد (آیه نخستین و آخرین، تمام محتوای سوره را در خود دارد) دانسته می‌شود که از قابلیت‌ها و توانمندی‌های قارعه این

است که همه ساکنین دنیا را به عرصه برزخ انتقال می‌دهد و هر قدرت و نیروی سرکشی و مخالفتی را از موجودات (که بنابر مصلحت مدتی در اختیار آنها بود) می‌ستاند و همه را در محضر الهی به پای حساب و کتاب کشانده، تسلیم و منقاد حاضر می‌کند و ستمکاران را با خود به هاویه می‌برد.

جفا پیشگان را بده سر به باد ستم بر ستم پیشه عدل است و داد

وفا و عهد نکو باشد از بیاموزی و گرنه هر که تو بینی ستمگری داند

ابوبصیر گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فَإِنَّ جِبْرَائِيلَ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَهُوَ قَاطِبٌ وَقَدْ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ يَجِيءُ وَهُوَ مُبْتَسِمٌ... - همانا جبرئیل غضبناک و عبوس نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد درحالی که قبلاً وقتی می‌آمد خندان و شادمان بود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای جبرئیل! امروز غضبناک و گرفته، نزد من آمده‌ای؟! گفت: «ای محمد (صلی الله علیه و آله)! شعله‌ور شدن آتش آغاز گردید». فرمود: «چگونه، ای جبرئیل؟! گفت: «ای محمد! خدای عزوجل به آتش فرمان داد پس هزار سال بر آتش دمید تا سفید شد؛ سپس هزار سال بر آن دمید تا سرخ شد؛ آنگاه هزار سال بر آتش دمید تا سیاه گشت؛ سیاه تاریک و ظلمانی، اگر قطره‌ای از خار بُن تلخ و ضریع در شراب اهل دنیا بریزد همه از بوی تعفن آن می‌میرند». (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۳۵۲)

عنوان : احساس نیازی که انسان را به بی‌نیازی می‌رساند

« و ما ادراك القارعه -چه چیز تو را دانا کرد که بدانی القارعه چیست؟»: یعنی امکان ندارد کسی بتواند قارعه را بدون تعلیم الهی از پیش خود بشناسد؛ از همین رو خداوند خود خبر می‌دهد و معرفی می‌کند که القارعه چیست؟

اگر انسان همین فقر و نیاز خود به پروردگارش را بشناسد و از آن غافل نشود، همه امورش به سامان خواهد رسید. افسوس که غرور و غفلت، انسان را دچار هلاکتی می‌کند که عمق و انتهای آن را نمی‌تواند فهمید!!! « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ

الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ- ای مردم شما به خدا محتاجید و خدا بی‌نیاز ستوده است» (فاطر/۱۵)

پیامبر (ص) درباره احساس نیازی سخن می‌گوید که انسان را به بی‌نیازی می‌رساند: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ وَ لَا تَفْقِرْنِي بِالْإِسْتِغْنَاءِ عَنْكَ». الهی مرا با نیازمندی به سوی خودت غنی گردان و نیازم را سرشار و نیز مرا در بی‌نیازی از خودت فقیر مگردان که خود را از تو بی‌نیاز بدانم.

میان عاشق و معشوق فرق بسیار است چو یار ناز نماید شما نیاز کنید
نخست موعظه پیر صحبت این حرفست که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

عنوان: طاغوت پرستی و دنیا دوستی

از اسرار وجود انسان این است که هر چه در اطراف خود می‌بیند چه در دنیا و چه در آخرت به وجود خود او مرتبط است اما فهم چگونگی این ارتباط همان چیزی است که از همه اسرار آمیزتر است !!!

گر ز آتش صورت فعل بدست روح را از وی عذاب سرمد است
مالك دوزخ قوای نفسی است مانع لذات روح قدسی است

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَرَّ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (علیه السلام) عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَ طَيْرُهَا وَ دَوَابُّهَا... - حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) بر روستایی گذر کرد که ساکنان و پرندگان و چهارپایانش همگی مرده بودند. ایشان فرمود: «بدانید اینان به سبب عذابی مرده اند؛ چون اگر جدای از هم مرده بودند، همدیگر را دفن کرده بودند». حواریون عرض کردند: «ای روح و کلمه (حکم و اراده) خدا! از خداوند بخواه آنان را برای ما زنده کند تا ما را از کرده‌ی خود آگاه سازند و ما از چنین کرداری دوری جویم».

حضرت (علیه السلام) از پروردگارش چنین خواست و در آن دم از آسمان به وی ندا رسید که آنان را ندا ده. حضرت عیسی (علیه السلام) شب هنگام بر بلندی ایستاد و فرمود: «ای ساکنان روستا!» در آن هنگام یکی از آنان به حضرت

(علیه السلام) پاسخ داد: «گوش به فرمان توام ای روح و کلمه (حُکم و اراده) خدا!» حضرت عیسی (علیه السلام) فرمود: «وای بر شما! چه کرده اید؟» عرض کرد: «طاغوت پرستی و دنیا دوستی با ترس اندک و آرزوی بلند و غفلت ورزی در لُهو و لعب». فرمود: «دنیا دوستی شما چگونه بود؟» عرض کرد: «همچون فرزندی که مادرش را دوست ندارد؛ چون به ما رو کرد، خشنود و خوشحال و شاد شدیم و چون از ما روی گرداند، گریان و نالان شدیم». فرمود: «طاغوت پرستی شما چگونه بود؟» عرض کرد: «اطاعت از اهل معصیت». فرمود: «سرانجام کارتان چگونه بود؟» عرض کرد: «شب را در تندرستی خوابیدیم و صبح هنگام در هاویه بودیم». فرمود: «هاویه چیست؟» عرض کرد: «سَجّین». فرمود: «سَجّین چیست؟» عرض کرد: «کوهی است از گدازه که تا به روز قیامت بر ما شعله ور است». فرمود: «شما چه گفتید و به شما چه گفته شد؟» عرض کرد: «گفتیم: ما را به دنیا بازگردان تا زهد پیشه کنیم». به ما گفته شد: «دروغ می گویند». فرمود: «وای بر تو! چرا در میان آنان کسی جز تو با من سخن نگفت؟» عرض کرد: «ای روح خدا! آنان در دستان فرشتگانی درشتخو و سخت گیر به لگام هایی از آتش دهانه شده اند. من (در دنیا) در میان آنها بودم، اما از آن ها نبودم. از این رو چون عذاب فرود آمد، مرا نیز با آنان در میان گرفت. اکنون من با تار مویی بر لبه دوزخ آویخته شده ام و نمی دانم که در آن واژگون می شوم یا از آن رهایی می یابم». آنگاه حضرت عیسی (علیه السلام) رو به حواریون کرد و فرمود: «ای دوستان خدا! خوردن نان خشک با سنگ نمک و خوابیدن در زباله دان ها در صورت سلامتی دنیا و آخرت، بسیار نیک تر است». (الکافی، ج ۱، ص ۳۱۸ / البرهان)

چون در این زندان بسی نتوان نشست	خویشتن را باز بر از هر چه هست
دستها اول ز خود کوتاه کن	بعد از آن مردانه عزم راه کن
عشوه ابلیس از تلبیس تست	در تو يك يك آرزو ابلیس تست
تا کنی يك آرزو و خود تمام	در تو صد ابلیس زاید و السلام